

اینترنت، جوانان و پیوندهای اجتماعی:

مطالعه رابطه اینترنت، شبکه گفتگوی مرکزی و پیوندهای اجتماعی جوانان دانشجو

محمد تقی عباسی شوازی (نویسنده مسئول)، استادیار جامعه شناسی دانشگاه شیراز،

mabbasi@rose.shirazu.ac.ir

پوریا همایون، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،

pouriahomayoon@gmail.com

چکیده: این پژوهش به مطالعه چگونگی رابطه اینترنت و پیوندهای اجتماعی در شبکه گفتگوی مرکزی جوانان دانشجو پرداخته است. در این پیمایش، ۴۰۴ دانشجوی دختر و پسر دانشگاه شیراز در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و به سئوالات پرسشنامه پاسخ داده اند. چارچوب نظری مطالعه، ترکیبی از نظریات گرانووتر، بری ولمن و هایثورث ویت در باب پیوندهای قوی و ضعیف و شبکه های اجتماعی افراد بوده است. به منظور مطالعه دقیق تر چگونگی رابطه اینترنت و شبکه گفتگوی مرکزی دانشجویان، دو بعد استفاده تعاملی (تعاملات برخط) و غیرتعاملی (استفاده عمومی) از یکدیگر متمایز شده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پیوندهای موجود در شبکه گفتگوی مرکزی افراد بیشتر از نوع پیوندهای قوی بوده است تا ضعیف؛ و شبکه آنها از دامنه (تنوع) کمی برخوردار بوده است. در مجموع، زنان، افراد متأهل، دانشجویان مقطع دکتری و طبقه متوسط دارای بیشترین پیوندهای قوی به نسبت دیگران بوده اند. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده های تعاملی از اینترنت با پیوندهای قوی؛ و استفاده های غیرتعاملی با پیوندهای ضعیف موجود در شبکه گفتگوی مرکزی همبستگی مثبت و معنادار دارد. همچنین اینترنت توانسته است دوستان مجازی افراد را افزایش دهد که از نوع پیوندهای ضعیف خارج از شبکه گفتگوی مرکزی هستند. اما هیچ کدام از ابعاد اینترنت با اندازه شبکه گفتگوی مرکزی و دامنه شبکه رابطه معنا دار نداشته است. در مجموع به نظر می رسد که اینترنت تغییری در ساختار شبکه مرکزی افراد بوجود نیاورده و افراد اعضاء شبکه گفتگوی مرکزی خود را از طریق اینترنت انتخاب نمی کنند؛ بلکه اینترنت بیشتر وسیله ای است برای در تماس بودن با پیوندهای از قبل موجود در شبکه گفتگوی مرکزی جوانان.

واژگان کلیدی: اینترنت، پیوندهای قوی، پیوندهای ضعیف، شبکه گفتگوی مرکزی، جوانان دانشجو.

مقدمه

این مقاله به اهمیت حضور اینترنت در زندگی جوانان و چگونگی تاثیر گذاری آن بر شبکه ارتباطی آنها می پردازد و از این منظر به پژوهش در این باره می پردازد. توضیح آنکه برای قسمت بزرگی از تاریخ بشر، ارتباطات اجتماعی انسان آن چنان پر فراز و نشیب نبوده است؛ ارتباطات انسانی محدود به زمان و مکان خاص، شفاهی و رو در رو و در مقیاسی کوچک و به تعبیر بری ولمن در جعبه های کوچک^۱ (ولمن^۲، ۲۰۰۲) و محدود جریان داشته است. از نیمه دوم قرن بیستم و همراه با ظهور و گسترش اینترنت و فناوری های نوین ارتباطی سرعت این تغییرات به طور فزاینده ای سرسام آور شده است. آمارها حاکی از آن است که امروزه جوانان ایرانی ۲۵ تا ۳۴ ساله با ۲۶/۷ درصد، بالاترین درصد کاربران اینترنت را به خود اختصاص می دهند^۳. در همین راستا طبق برخی تخمین ها، در ایران بیش از ۴۸ میلیون کاربر اینترنت وجود دارد که ضریب نفوذ آن ۵۷/۷ درصد برآورد می شود^۴ (۲۰۱۵). ظهور اینترنت و ورود آن به عرصه زندگی روزمره، تعاملات اجتماعی انسان ها را وارد مرحله ای جدید و ناشناخته نموده است. برای پرداختن به این موضوع ابتدا نشان می دهیم که چه مساله ای مبنای پژوهشی این مقاله بوده است تا راه برای پرداختن به آن از منظر نظری و با استفاده از داده ها امکان پذیر شود.

طرح مساله

با گسترش فزاینده اینترنت از دهه ۹۰ میلادی به این سو، همواره این پرسش در محافل علمی علوم اجتماعی مطرح بوده است که اینترنت و فناوری های نوین ارتباطی چگونه زندگی اجتماعی افراد را متحول نموده و چه تغییراتی را در تعاملات اجتماعی برجای گذاشته است. در پاسخ به این پرسش به طور کلی دو دیدگاه متضاد با یکدیگر مطرح شده است؛ دیدگاه اول که از سابقه بیشتری نیز برخوردار است، مبتنی بر فرضیه جایگزینی است و معتقد است زمانی را که افراد به صورت برخط (آنلاین) سپری می کنند جایگزین تعاملات روزمره آنها با خانواده و دوستان می شود؛ دنیای مجازی افراد را در خود حبس می کند و در مجموع به انزوای اجتماعی و فرسودگی سرمایه اجتماعی آنها منتهی می شود (کرات و دیگران^۵، ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۰، مک فرسن و دیگران^۶، ۲۰۰۶؛ فیشر و متسون^۷، ۲۰۰۹؛ ۲۰۱۰). اما در برابر دیدگاه مذکور، با شمار فزاینده و رو به رشدی از تحقیقات اخیر مواجه هستیم که معتقدند اینترنت نه تنها منجر به تنها تر شدن انسان ها نشده است بلکه در پاره ای از موارد به مکملی برای ارتباطات اجتماعی بدل شده است و نیز الگوهای ارتباطی را تغییر داده است (ولمن و جولیا، ۱۹۹۹؛ همپتون^۸ و ولمن، ۲۰۰۱؛ رابینسون^۹، ۲۰۱۰؛ وانگ^{۱۰} و ولمن، ۲۰۱۰؛ گریفین^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ عباسی شوازی و همایون، ۱۳۹۳). ویلیامز^{۱۲} در توصیف تناقض های موجود در این باره معتقد به کمبود تحقیقات طولی کنترل شده درباره تاثیرات اجتماعی اینترنت می باشد. او علت بنیادین این تناقضات را استقرار الگویی از تحقیقات پیشین در ذهن پژوهشگران می داند که باعث نادیده گرفتن تاثیرات و استفاده های گوناگون از رسانه ها، از جانب آنها می شود (ویلیامز، ۲۰۰۶). همانگونه که مش نیز بیان می کند در مجموع شواهد تجربی به دست آمده حاکی از این است که رسانه های اجتماعی راه ارتباطی مکملی برای تعامل با پیوندهای از پیش موجود ارائه می دهند. افرادی که دارای بیشترین حمایت ها و مشارکت های اجتماعی هستند، بیشترین استفاده ارتباطی از اینترنت را نیز دارند (مش، ۲۰۱۵).

تا کنون پژوهش‌های بسیاری برای آشکار ساختن ابعاد و پیامدهای گوناگون میزان استفاده از اینترنت بر روی تعاملات اجتماعی انسان‌ها، انجام شده است که بیشتر آنها با محوریت انزوا یا عدم انزوای انسان بوده است. اما اینکه استفاده از رسانه‌های اجتماعی همچون اینترنت فارغ از بحث جایگزینی روابط و یا مکمل بودن آن؛ چه رابطه‌ای با کم و کیف پیوندهای اجتماعی افراد دارد امری مهم و مورد توجه مقاله حاضر است؛ چراکه پیوندهای اجتماعی نقش مهمی را در شبکه‌های اجتماعی افراد ایفا می‌کنند و تغییر و دگرگونی کمیت و کیفیت این شبکه‌ها می‌تواند نقش مهمی در تغییرات کلان اجتماعی داشته باشد (هورتولانس و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰). منظور از شبکه اجتماعی مجموعه روابط پیچیده میان افراد در نظام اجتماعی است (بات،^{۱۳} ۱۹۷۱).

محققان در مطالعه حاضر، علاوه بر ترسیم وضعیت شبکه اجتماعی جوانان دانشجو، به دنبال مطالعه رابطه میزان استفاده از اینترنت (استفاده تعاملی، و استفاده غیر تعاملی) با شبکه گفتگوی مرکزی و پیوند های جوانان دانشجو بوده اند. در واقع پاسخگویی به این سئوالات: اینترنت، ارتباط با چه کسانی را تسهیل کرده و ارتباط با چه کسانی را فروکاهیده است؟ آیا اینترنت دامنه شبکه اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد؟ اساساً، اینترنت چه نوع ارتباطی با پیوندهای ضعیف و قوی افراد دارد؟

شبکه گفتگوی مرکزی؛ ترکیبی از پیوندهای ضعیف و قوی

طی سه دهه اخیر شبکه گفتگوی مرکزی^{۱۴} یکی از مهمترین مفاهیم در مطالعه شبکه‌های اجتماعی بوده است (اسمال^{۱۵}، ۲۰۱۳). شبکه گفتگوی مرکزی متشکل از افرادی است که فرد مسائل مهم خود را با آنها در میان می‌گذارد (اسمال و همکاران، ۲۰۱۵) در سال‌های اخیر مطالعات زیادی بر روی شبکه گفتگوی مرکزی و تغییرات آن انجام گرفته است، مک فرسون معتقد است که بعد از گذشت دو دهه از ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ شبکه گفتگوی مرکزی آمریکاییان از ۲/۹۴ نفر به ۲/۰۸ نفر کاهش یافته است (مک فرسون، ۲۰۰۶). به راستی، شبکه گفتگوی مرکزی افراد از چه کسانی تشکیل شده است؟ برت معتقد است که شبکه گفتگوی مرکزی افراد بر پایه صمیمیت و عواطف میان آنها شکل گرفته است (برت^{۱۶}، ۱۹۸۴). اما اسمال با به چالش کشیدن این نظریه، به آزمون مجدد آن پرداخته است. نتایج مطالعه اسمال بیانگر اینست که ۴۵ درصد از افراد تشکیل دهنده شبکه گفتگوی مرکزی، هیچ پیوند عاطفی با فرد ندارند و به عبارتی بخشی از پیوندهای ضعیف می‌باشند (اسمال، ۲۰۱۳). از این رو می‌توان گفت که شبکه گفتگوی مرکزی افراد طیفی از روابط عاطفی و غیر عاطفی، ضعیف و قوی را در بر می‌گیرد اما آنچه محوریت دارد مهم بودن افراد در این شبکه است.

هایثورنت ویت تعریفی از «پیوند^{۱۷}» ارائه می‌دهد که طبق آن پیوند عبارت است «از زمانی که بین افرادی که باهم ارتباط دارند محلی از مبادله یا به اشتراک گذاری منابع وجود دارد، از قبیل کالا، خدمات، حمایت‌های اجتماعی یا اطلاعات؛ در اینصورت شاهد وجود یک پیوند هستیم». برقرار کردن ارتباط راه اصلی نگه داشت پیوند می‌باشد و رسانه‌ها نیز تسهیل کننده ارتباطات می‌باشند. هر نوع تغییری در رسانه می‌تواند منجر به تغییر پیوندها و سپس تغییر در شبکه اجتماعی افراد شود (هایثورنت ویت^{۱۸}، ۲۰۰۲). در این حوزه مطالعاتی، پیوندهای اجتماعی از طریق اطلاق برخی ویژگی‌ها به آنها، به دو نوع پیوندهای قوی و پیوندهای ضعیف تقسیم بندی شده اند که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت.

پیوندهای ضعیف

پاتنام^{۱۹} در ارائه تعریفی از سرمایه اجتماعی « به پیوندهای میان افراد- شبکه های اجتماعی اشاره دارد که هنجارهای عمل متقابل و امانت در آن شکل می گیرد » (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۶). وی پیوندها را به دو بعد تقسیم می کند؛ بعد پیوندبخش^{۲۰} و بعد پیوندمدار^{۲۱}. در این نظر، بعد پیوندبخش، افراد گوناگون از بخش های مختلف جامعه را در برمی گیرد. بعد پیوندبخش سرمایه اجتماعی، میان دارایی خارجی فرد و انتشار اطلاعات، پیوندی برقرار می کند و همچنین به گسترش هویت های گسترده تر و اعمال متقابل بیشتر منجر می شود (پاتنام، ۲۰۰۰). این بعد در نظریه گرانووتر^{۲۲} (۱۹۷۳) پیوند ضعیف^{۲۳} نامیده شده است.

گرانووتر با طرح نظریه قدرت پیوندهای ضعیف^{۲۴} به مطالعه سازوکار ارتباطات میان افراد و کیفیت این روابط می پردازد (گرانووتر، ۱۹۷۳). طبق نظر او « استحکام یک پیوند مبتنی بر ترکیبی از میزان زمانی که یک فرد برای آن صرف می کند، شدت احساسات، صمیمیت و خدمات متقابل می باشد » (گرانووتر، ۱۹۷۳). بنابراین پیوند ضعیف شامل افرادی می شود که فرد با آنها کمترین رابطه را داراست. گرانووتر کارکردهای مهمی برای پیوندهای ضعیف بر می شمارد از جمله؛ توسعه دایره ارتباطی فرد و به تبع آن توسعه الگوهای ارتباطی او، پیوند زدن میان افرادی که با یکدیگر رابطه ای ندارند و همچنین تشکیل پل های ارتباطی محلی که موجب پیوند فرد با ساختار اجتماعی بزرگتری می شود (گرانووتر، ۱۹۷۳). وی در توصیف کارکردهای پیوندهای ضعیف معتقد است؛ آنها واسطه ای برای ادغام فرد در شبکه های اجتماعی موجود در جامعه می باشد و نقشی حیاتی در ادغام فرد در جامعه مدرن بر عهده دارند (گرانووتر، ۱۹۸۳).

با محوریت یافتن فناوری های نوین ارتباطی همچون اینترنت در ارتباطات اجتماعی افراد، انتظار می رود که پیوندهای قوی و ضعیف در تعاملات برخط آنها نیز حضور داشته باشند. با توجه به اهمیتی که پیوندهای ضعیف در شبکه اجتماعی افراد دارند، این امر مهم است که بدانیم میزان و نقش پیوندهای قوی و ضعیف در شبکه گفتگوی مرکزی افراد چگونه است و این پیوند ها چه رابطه ای با استفاده از اینترنت دارند. برخی پژوهش های انجام شده حاکی از آنست که میان پیوندهای ضعیف فرد با میزان استفاده آنها از اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (چن^{۲۵}، ۲۰۱۳). چن بیان می کند افرادی که پیوندهای قوی^{۲۶} بیشتری در شبکه گفتگوی مرکزی خود دارند، مدت زمان بیشتری را نیز به استفاده از اینترنت و تعاملات برخط اختصاص می دهد. او همچنین معتقد است تنها تعداد کمی از مطالعات اخیر معتقدند که فناوری های ارتباطی جدید موجب تخریب و تهدید پیوندهای ضعیف می شوند (همان، ۲۰۱۳). همپتون نیز تصدیق می کند که اینترنت نقشی مکمل برای تقویت ارتباطات و تعاملات میان افراد ایفا می کند (همپتون و دیگران، ۲۰۱۴). رینی و ولمن نیز در همین راستا اذعان می دارند اینترنت به حفظ تماس با پیوندهای ضعیف تر دوستان، خویشاوندان، همسایگان و همکارانی که افراد به آنها نزدیک نیستند، کمک می کند (رینی^{۲۷} و ولمن، ۲۰۱۲).

پیوندهای قوی

گرانووتر در توصیف پیوندهای قوی بیان می کند که پیوندهای قوی، ارتباط میان افراد را با دوستان صمیمی و خویشاوندان خود به وجود می آورند (گرانووتر، ۱۹۷۳). مردسن و کمپل نیز در تعریف پیوندهای

قوی بر شاخص های همگونی اجتماعی، فراوانی تعداد تماس های متقابل و صمیمیت تاکید می کنند (مردسن و کمپل، ۱۹۸۴). پاتنام بعد پیوندمدار را به لحاظ جامعه شناختی به یک چسب بسیار قوی تشبیه می کند و معتقد است، گفتگوی اینترنتی^{۲۸} از یک طرف می تواند به ایجاد بعد پیوندبخش بیانجامد و از سوی دیگر به ایجاد بعد پیوندمدار منجر شود. پاتنام معتقد است دو بعد پیوندبخش و پیوندمدار سرمایه اجتماعی، در واقع دو روی یک سکه هستند که همزمان با یکدیگر وجود دارند، وجود یکی نافی وجود دیگری نمی باشد، بلکه هر کدام به نسبت کمتر یا بیشتر در روابط افراد وجود دارند (پاتنام، ۲۰۰۰).

هایثورث ویت به ترسیم الگوهایی از نحوه استفاده افراد از رسانه ها می پردازد و در این باره بیان می کند که در جایی که با پیوندهای قوی سروکار داریم افراد کاربرد رسانه ها را با نوع پیوند خود وفق می دهند و از رسانه ها در جهت پشتیبانی بیشتر از پیوند قوی بهره می برند. آنها این آمادگی را دارند که رسانه جدید را به عنوان مکمل نیاز خود در پیوند قوی به کار برند (هایثورث ویت، ۲۰۰۲). با توجه به مباحث نظری بالا می توان فرضیات زیر را در رابطه با پرسش های تحقیق طرح کرد:

- ۱: میزان استفاده غیرتعاملی و تعاملی از اینترنت با پیوندهای ضعیف رابطه دارد.
- ۲: میزان استفاده غیرتعاملی و تعاملی از اینترنت با پیوندهای قوی رابطه دارد.
- ۳: میزان استفاده غیرتعاملی و تعاملی از اینترنت با دامنه (تنوع) شبکه افراد رابطه دارد.
- ۴: میزان استفاده غیرتعاملی و تعاملی از اینترنت با شبکه گفتگوی مرکزی افراد رابطه دارد.
- ۵: میزان استفاده غیرتعاملی و تعاملی از اینترنت با تعداد دوستان مجازی افراد رابطه دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش بوده است. داده ها به وسیله پرسشنامه خود ایفا جمع آوری شده و جامعه آماری تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا (جمعا ۱۴۲۸۶ نفر) بوده اند. حجم نمونه مطالعه بر اساس فرمول کوکران و جدول لین ۴۰۰ نفر تعیین شد که به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای - طبقه بندی شده سهمیه ای متناسب با توجه به دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت - انتخاب شدند. تعداد ۴۱۱ دانشجوی پرسشنامه را تکمیل کرده اند که از این تعداد ۷ پرسشنامه ناقص بوده و حذف شده اند؛ در نهایت پاسخ های ۴۰۴ دانشجوی (۱۹۰ مرد و ۲۱۴ زن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این تحقیق متغیر وابسته شامل ابعادی چون اندازه ی شبکه گفتگوی مرکزی افراد، دامنه (تنوع) در شبکه ی گفتگوی مرکزی، **تعداد پیوندهای اجتماعی** افراد که شامل پیوندهای قوی و پیوندهای ضعیف می شود و دوستان صمیمی مجازی می باشد. **اندازه ی شبکه ی گفتگوی مرکزی** به وسیله ی تعداد افرادی که هر فرد در یک سال گذشته مسائل مهم زندگی خویش را با آنها در میان گذاشته، محاسبه شده است. متغیر دیگر دامنه و یا **تنوع در شبکه گفتگوی مرکزی** می باشد. از این جهت برای تعیین متغیر تنوع در شبکه ی گفتگوی مرکزی با تاثیر از تحقیق اسمال (۲۰۱۳). به ارائه فهرستی شامل ۱۲ گزینه شامل همسر، والدین، برادر/ خواهر، سایر خویشاوندان، دوست دختر/ دوست پسر، دوستان همجنس، همکار، روحانی، مشاور روانشناس، مددکار اجتماعی، اساتید دانشگاه/ معلم سابق و همسایه بوده است. سنجش

کیفیت پیوندهای اجتماعی افراد از طریق فراوانی تماس و ارتباط آنها با شبکه‌ی گفتگوی مرکزی خود و از طریق یک طیف ۹ گزینه‌ای (شامل گزینه‌های کمتر از یک بار در سال، سالی یک بار، چند بار در سال، ماهی یک بار، چند بار در ماه، دو هفته یک بار، یک بار در هفته، چند بار در هفته و هر روز) سنجیده شده است. بنابراین گزینه‌های دو هفته یکبار، یکبار در هفته، چند بار در هفته و هر روز به عنوان پیوندهای قوی و بقیه به عنوان پیوندهای ضعیف در نظر گرفته شده است. تعداد پیوندهای قوی از مجموع گزینه‌هایی که ذکر شد، محاسبه شده است و تعداد پیوندهای ضعیف نیز از مجموع سایر گزینه‌ها محاسبه شده است. برای سنجش متغیر دوستان مجازی و دوستان مجازی صمیمی از پاسخگو خواسته شده است تا در مقابل این گزینه تعداد دوستان مجازی خود را ذکر نماید و بگوید چند تن از این دوستان مجازی دوستان صمیمی هستند.

متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارت است از میزان استفاده غیرتعاملی (عمومی) از اینترنت^{۲۹} و استفاده تعاملی (ارتباطات برخط^{۳۰}) می‌باشد، که در اولی، بیشتر استفاده‌های اطلاعاتی منظور است و در دومی، استفاده برای تعامل برخط با دیگران. متغیر استفاده تعاملی با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای و از مجموع موارد فرستادن و دریافت ایمیل، عضویت و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و پرداختن به گفتگوهای برخط (چت) تشکیل شده است و متغیر میزان استفاده غیرتعاملی، عبارت بوده‌اند از، خواندن اخبار، انجام بازی‌های اینترنتی، دانلود یا تماشای موسیقی یا فیلم، استفاده از موتورهای جستجوگر، پرداختن به امور دینی از طریق اینترنت بوده است. لازم به ذکر است وزن همه‌ی گویه‌های سنجیده یکسان و بدون وزن در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

همانطور که عنوان شد، پاسخگویان به صورت تصادفی از میان دانشجویان سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه شیراز انتخاب شدند که ۵۳ درصد را زنان و ۴۷ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی، اکثریت پاسخ‌گویان (۶۷/۸ درصد) در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده‌اند. از سوی دیگر، بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۱/۷ درصد) ساکن خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه شیراز بوده‌اند. در این میان، اکثریت پاسخگویان (۸۱/۱ درصد) به لحاظ طبقاتی خود را متعلق به طبقه متوسط دانسته‌اند و به لحاظ قومیتی اکثریت پاسخگویان به قومیت فارس (۷۵/۴ درصد) تعلق داشته‌اند.

جدول شماره ۱- توصیف متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد پاسخگویان	
۱/۴۲	۲/۶۲	۹	۰	۴۰۴	پیوند قوی
۲/۰۵	۰/۷۸	۱۰	۰	۴۰۴	پیوند ضعیف
۲/۹	۳/۸۶	۲۰	۰	۳۹۴	شبکه گفتگوی مرکزی
۱/۲۲	۲/۳۶	۶	۰	۳۹۵	تنوع در شبکه
۱۳/۹	۵/۹۴	۶۰	۰	۳۸۵	تعداد دوستان مجازی
۷/۴۴	۱/۴۳	۱۰۰	۰	۳۸۲	دوستان صمیمی مجازی
۴/۷۵	۱۱/۳۶	۲۳	۰	۴۰۴	استفاده غیر تعاملی
۳/۵۶	۵/۶۳	۱۴	۰	۴۰۴	استفاده تعاملی برخط
۳/۰۹	۲۲/۸۲	۳۵	۱۷	۴۰۴	سن پاسخگویان
۱/۹۹	۳/۹۷	۱۲	۱	۳۹۷	تحصیلات دانشگاهی

همانگونه که در جدول شماره ۱ مشهود است، دامنه سنی پاسخگویان، ۱۷ تا ۳۵ سال بوده و میانگین سنی آنها ۲۲/۸ سال می باشد. میانگین پیوند های ضعیف پاسخگویان ۰/۷۸ و میانگین پیوندهای قوی آنان ۲/۶۲ می باشد. لازم به ذکر است ۶۵/۶ درصد از پاسخگویان هیچ پیوند ضعیفی در شبکه گفتگوی مرکزی خود نداشته اند و ۲۹ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۳ پیوند ضعیف در شبکه ی گفتگوی مرکزی خود داشته اند. همچنین ۱۵/۱ درصد از پاسخگویان پیوندی قوی، در شبکه ی گفتگوی مرکزی خود نداشته اند؛ در حالیکه ۶۱/۱ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۳ پیوند قوی در شبکه گفتگوی مرکزی خود داشته اند. این بدین معناست که پیوندهای موجود در شبکه گفتگوی مرکزی دانشجویان بیشتر از نوع پیوندهای قوی بوده است و افرادی که از صمیمت کم و یا اهمیت کمی برخوردار بوده اند در شبکه گفتگوی مرکزی آنها جایگاهی نداشته اند. همچنین میانگین تنوع در شبکه ی پاسخگویان ۲/۳۶ بوده و بدین معناست که هر پاسخگو به طور میانگین بیشتر از ۲ نفر از افراد مختلفی که در پرسشنامه مطرح شده بود را در شبکه ی گفتگوی مرکزی خود داشته است. علاوه بر این، میانگین تحصیلات دانشگاهی (تعداد سالهای تحصیل در دانشگاه) پاسخگویان ۳/۹۷ سال بوده است. میانگین میزان استفاده از اینترنت ۱۱/۳۶ و میانگین استفاده تعاملی ۵/۶۳ بوده است. همچنین ۸/۹ درصد از پاسخگویان هیچ استفاده تعاملی از اینترنت نداشته اند.

جدول شماره ۲- توصیف پیوندهای اجتماعی پاسخگویان بر اساس برخی از متغیرهای تحقیق

ویژگی متغیر	پیوندهای قوی				پیوندهای ضعیف				شبکه گفتگوی مرکزی				
	میانگین	انحراف	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف	کمینه	بیشینه	
جنسیت	مرد	۲/۳۱	۲/۰۷	۰	۱۰	۰/۹۱	۱/۵۷	۰	۹	۳/۹۳	۳/۴۴	۰	۲۰
	زن	۲/۸۹	۱/۹۹	۰	۱۰	۰/۶۶	۱/۲۶	۰	۷	۳/۷۹	۲/۳۳	۰	۱۲
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲/۵۵	۲/۰۲	۰	۱۰	۰/۸۱	۱/۴۹	۰	۹	۳/۸۷	۳/۰۲	۰	۲۰
	ارشد	۲/۶۲	۱/۹۱	۰	۱۰	۰/۶۸	۱/۱۶	۰	۷	۳/۶۵	۲/۴۴	۰	۱۲
تاهل	دکتر	۳/۲۵	۲/۶۸	۰	۱۰	۰/۸۵	۱/۵۸	۰	۷	۴/۵	۳/۲۸	۰	۱۵
	مجرد	۲/۵۵	۱/۹۵	۰	۱۰	۰/۷۶	۱/۴۲	۰	۹	۳/۷۷	۲/۹	۰	۲۰
رابطه عاطفی	متاهل	۳/۱۵	۲/۶۴	۰	۱۰	۰/۹۱	۱/۳۶	۰	۷	۴/۶	۲/۸۶	۰	۱۰
	در رابطه	۲/۹۵	۲/۱۹	۰	۱۰	۰/۷۵	۱/۴۶	۰	۹	۴/۱۵	۲/۸۴	۰	۲۰
طبقه اجتماعی	عدم رابطه	۲/۴۷	۱/۹	۰	۱۰	۰/۷۹	۱/۴	۰	۸	۳/۶۶	۲/۷۸	۰	۲۰
	بالا	۳/۲۱	۲/۳۵	۰	۱۰	۰/۶۹	۱/۶۴	۰	۹	۴/۱۵	۳/۲۶	۰	۲۰
طبقه اجتماعی	متوسط	۲/۵	۱/۹۶	۰	۱۰	۰/۸۱	۱/۳۸	۰	۸	۳/۷۹	۲/۸۵	۰	۲۰
	پایین	۳/۱۱	۲/۱۴	۰	۸	۰/۲۲	۰/۴۴	۰	۱	۳/۴۴	۱/۹۴	۱	۸

مبتنی بر نظریات و تحقیقات این حوزه مطالعاتی، پیوندهای ضعیف، قوی و شبکه گفتگوی مرکزی افراد بر اساس متغیرهایی مانند جنسیت، وضعیت تاهل، تحصیلات، قومیت و طبقه اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد که این متغیرها در جدول شماره ۲ آمده است و میانگین تعداد پیوندهای قوی و ضعیف و همچنین شبکه گفتگوی مرکزی آنها به نمایش گذاشته شده است.

نتایج نشان می‌دهد که، جنسیت متغیری است که می‌تواند تفاوت‌هایی را در نوع پیوندهای افراد ایجاد کند. همانطور که مشهود است، پیوندهای زنان نسبت به مردان پیوندهایی قوی‌تری هستند. بدین معنا که تعداد پیوندهای ضعیف در میان مردان بیشتر است و عمق پیوندهایی که آنان ایجاد می‌کنند از عمق پیوندهای زنان کمتر است. با این وجود شبکه گفتگوی مرکزی مردان به نسبت زنان بزرگتر است. تحصیلات نیز عاملی است که می‌تواند تفاوت‌هایی را در شبکه افراد و پیوندهای آنان ایجاد کند، هرچه از مقطع کارشناسی به سمت دکتر پیش می‌رویم میزان پیوندهای قوی بیشتر شده و شبکه گفتگوی مرکزی افراد بزرگتر می‌شود. بطوریکه، میانگین پیوندهای قوی دانشجویان دکتر (میانگین = ۳/۲۵) بیش از دانشجویان دو مقطع دیگر است. همچنین میانگین شبکه گفتگوی مرکزی (میانگین = ۴/۵) آنها نیز بیشتر از سایر مقاطع می‌باشد.

همچنین میانگین پیوندهای قوی بین افراد متاهل (میانگین = ۳/۱۵) بیشتر از میانگین پیوندهای قوی در بین مجردهاست (میانگین = ۲/۵۵). به عبارتی زندگی متاهلی افراد را به سمت ایجاد رابطه‌های پایدارتر سوق می‌دهد. همین روند را می‌توان در افرادی که درگیر یک رابطه عاطفی هستند نیز به نوعی مشاهده کرد. پاسخگویانی که در پاسخ به این سوال که «آیا در حال حاضر درگیر رابطه صمیمی یا عاشقانه با شخص دیگری می‌باشید؟» گزینه بلی را انتخاب کرده اند پیوندهای قوی بیشتری (میانگین = ۲/۹۵) نسبت

به کسانی که گزینه خیر را انتخاب کرده اند (میانگین = ۲/۴۷) دارند. این امر اعم از متاهل یا مجرد بودن می باشد. به طور کلی تر می توان اینگونه بیان کرد که اگر افراد درگیر رابطه ای عاشقانه با شخص خاصی باشند، از آنجایی که این دست از روابط نیازمند تعهد دو طرفه و رابطه ای عمیق و عاطفی می باشد، لذا افراد را به سمت ایجاد پیوندهایی قوی تر با دیگران هدایت می کند و از پیوندهای ضعیف آنان می کاهد.

همچنین، پاسخگوییانی که خود را متعلق به طبقه متوسط دانسته اند در مقایسه با سایر طبقات اجتماعی به طور میانگین از پیوندهای قوی کمتری برخوردارند. این در حالی است که پاسخگوییانی که خود را متعلق به طبقات بالا دانسته اند بیشترین پیوندهای قوی را دارند و بعد از آنها و با فاصله ای اندک، پاسخگویان طبقه پایین قرار دارند. این یافته را می توان در امتداد نظریه گرانووتر دانست. گرانووتر در نظریه خود در توجیه کارکرد پیوندهای ضعیف تاکید می کنند که وجود این نوع پیوندها در شبکه ارتباطی افراد، فرصت دسترسی آنها به بازار کار و همچنین فرصت تحرک طبقاتی گسترده تر را برای آنها فراهم می آورد (گرانووتر، ۱۹۸۳) که به نظر می رسد در طبقه متوسط بیشتر است.

جدول شماره ۳- ماتریس همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

تعداد دوستان صمیمی مجازی	تعداد دوستان مجازی	دامنه (تنوع) شبکه	شبکه گفتگوی مرکزی	تعداد پیوندهای قوی	تعداد پیوندهای ضعیف	استفاده غیر تعاملی (عمومی)	تعاملات برخط
							-
						۰/۴۴**	استفاده غیر تعاملی (عمومی)
						۰/۱۰*	تعداد پیوندهای ضعیف
					۰/۰۷-	۰/۰۰	تعداد پیوندهای قوی
				۰/۶۴**	۰/۴۷**	۰/۰۴۶	شبکه گفتگوی مرکزی
			۰/۶۵**	۰/۵۲**	۰/۳۶**	۰/۰۰۵-	دامنه (تنوع) شبکه
		۰/۱۷**	۰/۲۹**	۰/۰۰۷-	۰/۲۵**	۰/۱۵*	تعداد دوستان مجازی
۰/۱۸**	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۵۶	تعداد دوستان صمیمی مجازی

*p < 0.01, **p < 0.001

جدول شماره ۳ نشان دهنده ماتریس همبستگی تمامی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق است. در این جدول نتایج آزمون پنج فرضیه اصلی تحقیق آمده که با آماره همبستگی پیرسون انجام شده است. همان گونه که در جدول مشهود است تعداد پیوندهای ضعیف با میزان استفاده غیرتعاملی رابطه ای مثبت و معنادار دارد ($r=0/10$; $P<0/01$)؛ بدین معنا که هرچقدر تعداد پیوندهای ضعیف افراد بیشتر باشد استفاده

غیر تعاملی نیز افزایش می یابد. در حالیکه، تعداد پیوندهای قوی با استفاده غیرتعاملی همبستگی معنادار ندارد اما با ارتباطات برخط یا استفاده تعاملی رابطه ای مثبت و معنادار دارد ($r=0/10$; $P<0/01$)؛ بدین معنی که به هر میزان تعداد پیوندهای موجود در شبکه افراد بیشتر باشد استفاده تعاملی (ارتباطات برخط) آنها از اینترنت نیز افزایش می یابد.

همانطور که در جدول مشهود است، بین دامنه شبکه افراد و هیچکدام از ابعاد استفاده از اینترنت همبستگی معنادار و قوی وجود ندارد، به بیان دیگر اینترنت نتوانسته است افراد مختلف و متنوعی را وارد شبکه مرکزی افراد کند. همچنین نتایج حاکی از آن است که، بین متغیر شبکه گفتگوی مرکزی با هیچ کدام از متغیرهای اینترنت رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است. استفاده از اینترنت همچنین می تواند پیوندهای ضعیفی را در قالب دوستان مجازی به وجود آورد که وارد شبکه گفتگوی مرکزی افراد نمی شوند. از میزان شدت همبستگی پیوندهای قوی افراد با شبکه گفتگوی مرکزی ($r=0/64$; $P<0/001$) در مقایسه با شدت همبستگی پیوندهای ضعیف ($r=0/47$; $P<0/001$) می توان استنباط کرد که همبستگی بسیار بالایی بین شبکه گفتگوی مرکزی با پیوندهای قوی وجود دارد و شبکه گفتگوی مرکزی افراد عمدتاً متشکل از پیوندهای قوی است تا پیوندهای ضعیف. یافته قابل توجه دیگری که در این ماتریس وجود دارد این است که از یکسو، همراه با افزایش استفاده غیرتعاملی ($r=0/15$; $P<0/01$) و ارتباطات برخط ($r=0/18$; $P<0/01$) دوستان مجازی افراد نیز افزایش می یابند و از سوی دیگر، همبستگی معنادار بین دوستان مجازی با پیوندهای ضعیف ($r=0/25$; $P<0/001$) افراد می باشد. به بیان دیگر، دوستی هایی که در فضای مجازی شکل می گیرد، تنها در دایره پیوندهای ضعیف افراد باقی می ماند و به پیوندهای قوی تبدیل نمی شوند. در مجموع، نتایج نشان می دهند که از تمام فرضیه های طرح شده، تنها دو فرضیه اندازه و تراکم شبکه گفتگوی مرکزی جوانان دانشجو هیچ رابطه ای با میزان استفاده از اینترنت ندارد و رد می شود، بقیه فرضیه ها حداقل با یکی از متغیر های اینترنت (استفاده عمومی و یا ارتباطات برخط) همبستگی معنادار داشته اند.

بحث و نتیجه گیری

متفاوت و فراتر از آنچه بیشتر تحقیقات در حوزه اینترنت و روابط اجتماعی انجام داده اند و با سنجش تعداد دوستان در شبکه اجتماعی از یکسو و از سوی دیگر احساس تنهایی به مطالعه انزوا پرداخته اند (فیشر و متسون، ۲۰۰۹؛ استپانیکووا و دیگران، ۲۰۱۰؛ وانگ^{۳۱} و ولمن، ۲۰۱۰؛ گریفین^{۳۲}، ۲۰۱۰؛ عباسی شوازی و همایون، ۱۳۹۳؛ سلیمی و دیگران، ۱۳۸۸) تحقیق حاضر با هدف مطالعه رابطه میان استفاده از اینترنت با پیوندهای قوی، ضعیف و شبکه گفتگوی مرکزی جوانان دانشجو انجام شده است؛ به بیان دیگر، پاسخ به این سؤال اساسی که: پیوندهای قوی و ضعیف در شبکه گفتگوی مرکزی افراد چگونه است و این پیوند ها چه رابطه ای با اینترنت دارند؟

در این راستا، تمیز دو بعد استفاده از اینترنت (تعاملی و غیرتعاملی) ما را به نتایج متفاوتی رسانده است. از یک سو بعد تعاملی و از سوی دیگر استفاده عمومی یا غیر تعاملی از اینترنت، هر یک به نوبه خود جنبه های متفاوتی را از پیوندهای موجود در شبکه مرکزی جوانان دانشجو را بر ما آشکار ساخته اند. همچنان که در یافته‌ها ملاحظه شد، استفاده تعاملی و پیوندهای قوی جوانان دانشجو همبستگی مثبت و

معناداری داشته اند. بدین معنا که با افزایش استفاده تعاملی از اینترنت، پیوندهای قوی موجود در شبکه افراد نیز افزایش می یابد. مطالعه حاضر در راستای مطالعات همپتون (۲۰۱۴)، چن (۲۰۱۳)، وانگ و ولمن (۲۰۱۰) نشان می دهد که استفاده تعاملی پیوندهای قوی از پیش موجود در شبکه افراد را نه تنها سست نمی کند و از بین نمی برد بلکه به حفظ و تداوم آن نیز کمک می کند. به نظر می رسد افراد، استفاده تعاملی را در جهت حفظ یا تحکیم روابط از پیش موجود در شبکه گفتگوی مرکزی خود به کار می گیرند. بنابراین نه تنها موجب انزوا نمی شوند (عباسی شوازی، همایون، ۱۳۹۴) بلکه موجب افزایش ارتباط با دوستان و شبکه روابط اجتماعی از پیش موجود آنها نیز می شود.

از سوی دیگر یافته‌ها نشان داد که استفاده عمومی یا غیر تعاملی از اینترنت با پیوندهای قوی موجود در شبکه گفتگوی مرکزی جوانان رابطه معناداری ندارد و بیشتر در میان افرادی رواج دارد که دارای پیوندهای ضعیف بیشتری می باشند. مطالعه حاضر در راستای مطالعات دیگران (دوناس و بوید، ۲۰۰۴؛ چن، ۲۰۱۳) نشان داد که میان پیوندهای ضعیف جوانان دانشجو با میزان استفاده عمومی آنها از اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد اما پیوندهای قوی آنها رابطه معناداری ندارد. اما باید در نظر داشت که حتی پیوندهای ضعیف هم به دلیل کارکردهایی که دارند بسیار مهم هستند و دایره ارتباطی افراد را افزایش داده و موجب ادغام فرد در جامعه و پیوند با ساختارهای اجتماعی می شوند (گرانووتر، ۱۹۷۳). این بدین معناست که حتی با استفاده غیرتعاملی که ابزارهای غیر تعاملی هستند نه تنها افراد دچار انزوا نمی شوند بلکه با ایجاد و حفظ پیوندهای ضعیف، فرد را در شبکه ای از ارتباطات هر چند سست نگه می دارد. چرا که پیوندهای قوی مستلزم صرف وقت و تعامل و صمیمیت است که استفاده غیرتعاملی چنین فرصت هایی را فراهم نمی کند.

اینترنت حتی می تواند پیوندهای ضعیف جدیدی را به شبکه اجتماعی فرد بیفزاید اما در حلقه محدود شبکه گفتگوی مرکزی افراد قرار نگیرد. این یافته با مشاهده رابطه معنا دار اینترنت (در هر دو بعد) با تعداد دوستان مجازی (غریبه هایی که صرفا دوست مجازی هستند) تائید می شود، اما در سوی دیگر، منجر به افزایش دوستان صمیمی مجازی نمی شود. به نظر می رسد که اینترنت بطور کلی می تواند پیوندهای ضعیفی را ایجاد کند، این پیوندها پیوندهای مستحکم، عمیق و حتی صمیمی واقعی نیستند.

از این امر می توان اینگونه استنباط کرد که جوانان دانشجو اعضاء شبکه گفتگوی مرکزی خود را از طریق اینترنت نمی یابند و پیوندهای ضعیف و معدود شکل گرفته در این فضا (در قالب دوستان مجازی) را در دایره محدود شبکه گفتگوی مرکزی خود راه نمی دهند. گرچه برخی دانشجویان از داشتن دوستان مجازی گفته اند، اما نتایج نشان داد این دوستی ها از نوع پیوندهای ضعیف بوده اند و رابطه معنا داری با شبکه گفتگوی مرکزی دانشجویان نداشته اند. این بدین معناست که پیوندهای ضعیف مجازی در حاشیه شبکه گفتگوی مرکزی باقی می ماند و نمی توانند ساختارهای آن را دگرگون کنند. بنابراین اینطور میتوان نتیجه گرفت که اینترنت وسیله ای است برای در تماس بودن با پیوندهای از قبل موجود و نه وسیله ای برای افزایش، کاهش و یا تغییر ساختار شبکه گفتگوی مرکزی جوانان دانشجو. نتایج همچنین حاکی از آن است که، دانشجویان مورد مطالعه، اعضاء شبکه گفتگوی مرکزی خود را از طریق اینترنت انتخاب نمی کنند؛ بلکه اینترنت بیشتر وسیله ای است برای در تماس بودن با پیوندهای از قبل موجود در شبکه گفتگوی مرکزی

جوانان و تحکیم بخشیدن به آن (مش و تالمود، ۲۰۰۶؛ والکنبورگ و پیتر، ۲۰۰۷؛ آهن، ۲۰۱۲؛ ماناگو و همکاران، ۲۰۱۴؛ عقیلی و پوری، ۱۳۹۰؛ شهریاری، ۱۳۹۲).

این امر به این دلیل است که، شبکه گفتگوی مرکزی افراد بیشتر متشکل از پیوندهای قوی، عاطفی و صمیمی است که بر اعتماد و شناخت متقابلی بنا می‌شود که در تعاملات چهره به چهره شکل می‌گیرد و فرد می‌تواند در مواقع لزوم حمایت‌هایی را دریافت کند، از این رو، پیوندهای ضعیف چندان در آن جایی ندارند. اینترنت گرچه وسیله‌ای ارتباطی و تعاملی است اما به دلیل با واسطه بودن تعاملات، گمنامی و عدم اعتماد کامل، افراد نمی‌توانند از طریق آن به شناختی دقیق که بتواند پایه اعتماد متقابل و صمیمت واقعی را شکل دهد برسند، از این رو، نمی‌تواند پیوندهای قوی‌ای ایجاد کند که به دایره تنگ شبکه گفتگوی مرکزی افراد با کارکردهای خاصش راه یابد. اینترنت، در حد ایجاد پیوندهای ضعیفی باقی می‌ماند که نمی‌تواند به عنوان افراد مهم برای فرد تلقی شوند و کارکرد شبکه گفتگوی مرکزی را برای فرد ایفا کنند. بنابراین، چون یکی از مهمترین راه‌های نگه‌داشت پیوندهای شبکه مرکزی، برقرار کردن ارتباط می‌باشد و رسانه‌ها نیز تسهیل‌کننده اینگونه ارتباطات هستند، افراد از آنها برای تحکیم روابط از پیش موجود استفاده می‌کنند.

اما پرده‌ای دیگر از واقعیت را باید در عدم ارتباط معنادار اینترنت با دو متغیر مهم دامنه شبکه و اندازه شبکه گفتگوی مرکزی جوانان دانشجو دید. همانطور که نتایج حاکی است، بین اینترنت با دامنه شبکه و اندازه شبکه همبستگی معناداری وجود ندارد. برخلاف نظر مش (۲۰۱۵) در باب افزایش اندازه و دامنه شبکه افراد بواسطه اینترنت، در این مطالعه دریافته‌ایم اینترنت گرچه ممکن است ارتباط افراد موجود در شبکه در قالب پیوندهای قوی و ضعیف را تسهیل و یا محدود کند، اما نتوانسته است اندازه و ساختار شبکه گفتگوی مرکزی افراد که تشکیل شده از افراد مهم است را تغییر دهد.

به طور کلی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اینترنت نه تنها موجب فروکاهش روابط افراد و یا تغییر ساختار شبکه گفتگوی مرکزی از پیوندهای قوی به ضعیف و در نهایت انزوای اجتماعی نمی‌شود، بلکه می‌تواند از یکسو، نقشی مکمل برای تقویت روابط و تعاملات میان افراد ایفا کند (همپتون و دیگران، ۲۰۱۴) و از سوی دیگر منجر به تقویت پیوندهای قوی و ضعیف موجود در شبکه شود؛ البته بر اساس نوع استفاده از اینترنت این امر متفاوت است. بر طبق دیدگاه هایشورنث ویت، می‌توان بیان کرد که ترسیم الگوهای نحوه استفاده افراد از رسانه‌ها می‌تواند ما را به الگوهای پیوندهای اجتماعی افراد رهنمون کند، جایی که با پیوندهای قوی سروکار داریم افراد کاربری رسانه‌ها را با نوع پیوند خود وفق می‌دهند و از رسانه‌ها در جهت پشتیبانی بیشتر از پیوند قوی بهره می‌برند (استفاده تعاملی) و از سوی دیگر جایی که با پیوندهای ضعیف روبرو هستیم افراد در تطبیق نوع کاربری با پیوندهای خود بهره می‌گیرند (استفاده غیرتعاملی). افراد این آمادگی را دارند که رسانه جدید را به عنوان مکمل نیاز خود در پیوندهای اجتماعی به کار گیرند. از این رو، پیوندهای قوی با استفاده‌های تعاملی از اینترنت مرتبط است و پیوندهای ضعیف با استفاده‌های غیرتعاملی و عمومی. اما در کل، اینترنت نه تنها موجب تضعیف پیوندها و کاهش اندازه شبکه و انزوای افراد نمی‌شود بلکه مکمل ارتباطات و پیوندهای آنها عمل می‌کند.

-
- 1 - Little Boxes
 - 2 - Wellman
 - 3 - <http://www.statista.com/statistics/۲۷۲۳۶۵/age-distribution-of-internet-users-worldwide/>
 - 4 - Internetworldstats, 2015
 - 5 - Kraut et al.
 - 6 - McPherson et al.
 - 7 - Fischer & Mattson
 - 8 - Hampton
 - 9 - Robinson
 - 10 - Wang
 - 11 - Griffin
 - 12 - Williams
 - 13 - Bott
 - 14 - Core Discussion Network
 - 15 - Small
 - 16 - Burt
 - 17 - Tie
 - 18 - Haythornthwaite
 - 19 - Putnam
 - 20 - Bridging
 - 21 - Bounding
 - 22 - Granovetter
 - 23 - Weak Ties
 - 24 - The Strength of Weak Ties
 - 25 - Chen
 - 26 - Strong Ties
 - 27 - Rainie
 - 28 - Chat
 - 29 - General Use
 - 30 - Online Communication
 - 31 - Wang
 - 32 - Griffin



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

منابع فارسی

- شهریاری، ز. (۱۳۹۲). نقش تنوع وسایل ارتباطی در فردگرایی شبکه با تأکید بر رویکرد توانایی اجتماعی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران.
- عباسی شوازی، م. ت. همایون، پ (۱۳۹۳). "رسانه های اجتماعی و روابط اجتماعی: مطالعه رابطه استفاده از تکنولوژی های نوین ارتباطی با انزوای اجتماعی"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات. سال دهم، شماره ۳۶. صص ۴۳-۶۶.
- عقیلی، س. و. پوری، ا. (۱۳۹۰). "تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر ارتباطات بین فردی کاربران"، فصلنامه فرهنگ ارتباطات. ۳. صص ۲۵-۴۴.
- هورتولانس، ر. مشیلز، ا. میوسن، ل. (۱۳۹۴). *انزوای اجتماعی در جامعه مدرن*. لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

منابع انگلیسی

- Ahn, J. (2012). Teenagers' experiences with social network sites: Relationships to bridging and bonding social capital. *The Information Society*, 28(2), 99-109.
- Bott, E. (1971). *Family and social network* (2nd Ed.). London: Tavistock.
- Burt, R.S., 1984. Network items and the general social survey. *Social Networks* 6, 293-339.
- Chen, W. (2013). "Internet Use, Online Communication, and Ties in Americans' Networks". *Social Science Computer Review*, vol. 31, no. 4, pp, 404-423.
- Fischer, CS. & Mattson G. (2009). "Is America Fragmenting?" *Annual Review of Sociology*. 35(1):435-455.
- Granovetter, M.S. (1973). "The Strength of Weak Ties". *American Journal of Sociology*, Volume 78, Issue 6, Pp, 1360-1380.
- Granovetter, M.S. (1983). "The Strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited". *Sociological Theory*, Vol. 1, pp. 201-233.
- Griffin, J. (2010). *The Lonely Society*. Mental health foundation.
- Hampton, K., & Wellman, B. (2001). "Long distance community in the network society—Contact and support beyond Newville". *American Behavioral Scientist*, 45, 476-495.
- Hampton, K. N., Lauren S. G & Albanesi, G. (2014). "Change in the Social Life of Urban Public Spaces: The Rise of Mobile Phones and Women, and the Decline of Aloneness over 30 Years", *Urban Studies*, 51 (6).
- Haythornthwaite, C. (2002). "Strong, Weak, and Latent Ties and the Impact of New Media". *The Information Society: An International Journal*, Volume 18, Issue 5, Pp, 385-401.
- Kraut, R., Patterso M., Lundmark V., kiesler S., Mukopadhyay T. & Scherlis W. (1998). "Internet Paradox: A Social Technology that Reduces Social Involvement and Psychological Well-Being?" *American Psychologist*, Vol. 53, No. 9, 1017-1031.
- Manago, A.M, Taylor, T., Greenfield, P. M (2012). Me and My 400 Friends: The Anatomy of College Students' Facebook Networks, Their Communication Patterns, and Well-Being. *Developmental Psychology*, 48(2), 369-380.
- Mesch, GS. (2015). "New Media and Social Capital". *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition), Pages 782-786.
- Mesh, G. S., Talmud, I. (2006). Online friendship formation, communication channels, and social closeness. *International journal of internet science*, 1(1), 29-44.

- McPherson, M., Smith-Lovin, L., Brashears, M.E., 2006. "Social isolation in America: changes in core discussion networks over two decades". *American Sociological Review* Volume 71, Page, 353–375.
- Small, ML. (2012). "Weak ties and the core discussion network: Why people regularly discuss important matters with unimportant alters." *Social Networks*, Volume 35, Issue 3, Pages 470–483.
- Small, ML. Pamphile, VD. McMahan' P. (2015). "How stable is the core discussion network?" *Social Networks*, Volume 40, Pages 90–102.
- Stepanikova I., Norman H., Nie, Xiaobin He. (2010). "Time on the Internet at home, loneliness, and life satisfaction: Evidence from panel time-diary data". *Computers in Human Behavior*. Volume 26, Issue 3, Pages 329–338.
- Wang, H., & Wellman, B. (2010). "Social connectivity in America: Changes in adult friendship network size from 2002 to 2007". *American Behavioral Scientist*, 53, 1148–1169.
- Valkenburg, P.M. & Peter, J. (2007). Preadolescents' and Adolescents' Online Communication and Their Closeness to Friends, *Developmental psychology*, 43(2), 267-277.
- Wellman, B. (2002). "Little Boxes, Glocalization, and Networked Individualism". The series Lecture Notes in Computer Science, 2362. 10-25.
- Wellman B, & Gulia M. (1998). "Net Surfers Don't Ride Alone: Virtual Communities as Communities". In P. Kollock & M. Smith (Eds). *Communities in Cyberspace*. London : Routledge.

